

چالش‌های کنونی و چگونگی رویارویی

چالش‌های کنونی و چگونگی رویارویی

حجت الاسلام و المسلمین محمد علی نظام زاده

نماینده ولی فقیه در امور طّالاب شرق آسیا - ایران

بنام خداوند بخشنده مهربان

«لَا يَنْفَعُكُمْ اللَّهُ عَنِ السَّادِّينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَتَنْبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (سورة ممتحنه- 8) (خداوند شما را از نیکی ورزیدن و دادگری با آنان که با شما در کار دین، جنگ نکرده‌اند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد؛ بی‌گمان خداوند دادگران را دوست می‌دارد.)

الحمد لله و الصلاة و السلام علی رسول الله و علی آله الطیبین الطاهیرین و صحبه المنتجبین.

ابتدا مراتب سیاس عمیق و فراوان خود را از "مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی" بخاطر برگزاری این کنفرانس بین المللی اسلامی در چنین دوره دشوار و پیچیده ای از حیات امت اسلامی ما و نیز گزینش محورهای بحث مرتبط با رویارویی با چالش های فراروی امت، تقدیم می دارم.

اولین چالش در لیست چالش های درونی امت ما و بنابر آنچه طی محورها و موضوع های این کنفرانس پرشکوه مطرح شده است، گرفتار آمدن به افراط و گرایشی و ای بسا در ارتباط تنگاتنگ با نمودهای خشونت و تروریسمی است که صحنه اسلامی شاهد آنست و همه روزه اخبار مربوط به قتل و انفجار و بمب گذاری ها و... را می شنویم و در جریان فراخوانهای ارتجاعی و تعصب آمیز تکفیری، قرار می گیریم.

کاملاً روشن است که این وضع، ربطی به طبیعت اسلام ندارد زیرا متون دینی این روند و گرایش را کاملاً، نفی می کنند؛ تاریخ نیز شاهد آنست که امت اسلامی ما، تمدن عظیم بزرگی پی نهاد که در آن عقل و منطق و گفتگو و احترام به نظر دیگران، حاکم بوده و روند آشنایی ملت ها و قبایل و طوایف مختلف بر آن سایه افکنده و امت فراتر از اختلاف های قومی- قبیله ای و حتی دینی قرار داشت. در تمدن اسلامی، احترام میان صاحبان گرایش های فکری و مذهبی مختلف در درون امت و حتی در برخورد امت با پیروان ادیان گوناگون، حکمفرما بود؛ نوع برخورد اسلام با زرتشتیان ایران از برجسته ترین مثال این چنین احترام و برخوردی است همچنانکه مشارکت یهودیان و مسیحیان و صائبی ها با مسلمانان در حوزه های علمی و اداری، خود بهترین دلیل بر روح گشودگی و تسامح در ازای دیگران در تمدن اسلامی ما است.

ولی با افول تمدن اسلامی، نمودهای خشونت و تعصب و تروریسم در جوامع ما بروز پیدا کرد. پدیده هایی که زیانهای جدی بر امت ما وارد ساخت و بدبختی ها و مصایب فراوانی بر آن نازل کرد و چهره آنرا در برابر ملل جهان خدشه دار ساخت و این موضوعات عمده توجه مسایل مربوط به امت ما را طر دهایی اخیر، به خود مشغول داشت.

در این عرصه، برنامه‌های فراوانی برای درمان این پدیده ارایه شده و مطالعات و بررسی‌ها و تحلیل‌های زیادی در آن بعمل آمده ولی مسئله روز به روز وخامت بیشتری یافت زیرا اولاً مسئله بسیار پیچیده و بزرگ است و ثانیاً دارای ابعاد محلی و بین‌المللی گسترده‌ای است.

گو اینکه در این میان، اخیراً گرایش شگفتی در پرداخت به این مسئله مهم و حساس مطرح شده که عبارت از در آمیختن مفهوم "جهاد" و "مبارزات ملی" و "مقاومت در برابر اشغالگری" با تروریسم و خشونت در منطقه اسلامی ماست.

این پدیده با پایان گرفتن جنگ سرد و حوادث یازده سپتامبر و یکه تازی آمریکا در منطقه و طرح برنامه‌های جهانی شدن فرهنگی و سیاسی، ابعاد تازه‌ای بخود گرفت.

کاملاً طبیعی است که استکبار طمع کار و زیاده‌خواه، اقدام به سترون‌سازی هرگونه حرکت پویای انسانی میان مسلمانان نماید تا آنانرا به گله‌هایی که جز خواسته‌های غریزی و روزمره، به چیزی توجه ندارند تبدیل سازد.

و این نیز کاملاً طبیعی است که اینان چنان اوراق را بر هم زنند که به دشواری بتوان میان نموده‌های "زندگی" در امت و نموده‌های "وحشیگری"، تفاوت قایل شد.

ولي هرگز طبيعي نيست كه اين شگردها و ترفندها، از سردمداران امت ما و همگنان ما پنهان بماند و آنها نيز آتش بيار معرکه گردند و با اين دروغ جهاني كه در پي از ريشه كندن هر گونه مقاومتي در ميان امت ما و هر نوع واكنشي در ازاي غصب و ستم و اشغال و ويراني و دخالت در كوچك و بزرگ امت محمد بن عباد (صلي الله عليه و آله و سلم) است، همگام شوند. در اينجا، در پي سر دادن شعار يا تحريك احساسات نيستم؛ مي‌خواهم بگويم امت ما حق زندگي، حق عزت، حق كرامت و حق تعيين سرنوشت دارد؛ چرا اينگونه آشكارا و وفيحانه در امور ما دخالت مي‌كنند چرا مي‌كوشند نوع خاصي از اصلاحات و دموكراسي را بر كشورهاي ما تحميل نمايند؟ و به عنوان مثال، اين دشمني و خصومت آشكار و مواضع كين‌توزانه نسبت به نظام اسلامي در "جمهوري اسلامي ايران" براي چيست؟ حال آنكه اين نظام با تمام معيارهاي دموكراسي، بزرگترين تجربه در حاكميت ملي ديني را از سرمي‌گذرانند و شاهد بزرگترين مشاركت مردمي در انتخاب مسؤولان خويش است و با اينحال با اظهارات خصمانه و بي‌شرمانه‌اي روبرو مي‌گردد كه حداقل چيزي كه در مورد آنها مي‌توان گفت، تجاوز به حرمت ملت‌ها و حاكميت و عزت و كرامت ايشان است.

اگر نگاه هر چند گذرايي به آنچه در افغانستان و عراق و الجزاير و سودان و مناطق ديگري كه شاهد حوادث خشونت‌آميز و تأسف‌باري شده‌اند، بيفكنيم، آشكارا دستان بيگانه‌اي را كه آتش بيار معرکه بوده و هستند، خواهيم ديد كه البته مي‌كوشند در عين حال اسلام را مورد نكوهش قرار دهند.

در پي تفسير پديده‌هاي خشونت‌آميز در جهان اسلام به عنوان دست ساخته بيگانگان نيستم؛ مي‌خواهم بگويم كه اين پديده‌ها داراي اسباب و عوامل ملي داخلي و خارجي است؛ هرگز نبايد از عوامل خارجي غافل بمانيم. همين عامل خارجي بود كه "طالبان" را [در افغانستان] بر ما مسلط گرداند و چهره اسلام را بدیشان خدشه‌دار ساخت و سپس به آنها حمله برد و ضربه زد تا منطقه را از تعصب و عقب‌ماندگي برهاند!! و اين او بود كه رژيم مدفون عراق را مورد حمايت قرار داد و همه گونه ابزار و وسيله تجاوز را در اختيارش قرار داد و سپس به نام نجات ملت عراق و منطقه از شرّ وي، آنرا ساقط كرد... و اين اوست كه فتنه‌هاي قبيله‌اي و طايفه‌اي و اقليمي را برمي‌انگيزاند تا چنان وانمود سازد كه مسلمانان نيازمنند نيروهايي هستند كه آنانرا در برابر اين درگيري‌ها، حمايت كنند و كار ايجاد ثبات و امنيت را در منطقه ايشان عهده‌دار شوند.

با این حال می‌پذیریم که يك سري عوامل داخلي نیز هست، که حتماً باید به آنها پردازیم و از میانشان ببریم تا از این پدیده‌های دردناک و تأسف‌آمیزی که چهرهٔ تسامح‌آمیز اسلام و روح تمدنی آنرا خدشه‌دار ساخته، رهایی یابیم.

از مهمترین این عوامل، عقب‌ماندگی تمدنی است؛ هنوز هم روح بدویّت و جاهلی که بازده آنها خوار بود، بر بسیاری از محافل اسلامی ما حاکم است؛ هنوز هم برخی‌ها بنام "سلفی‌گری" و "وها‌بی" و "نصوصی" و مبارزه با بدعت‌ها و امثال چنین عناوینی، به این روح و روحیه، دامن می‌زنند.

با چنین حالتی از تعصّب و تجرّ تنها با حرکتی علمی، عقلی و فرهنگی آینده‌نگر و دارای نگاه تسامحی و با چشم‌اندازی گسترده و متناسب با عظمت و شکوه این امت "جاودان" و "شاهد" و "وسط" در صحنه تاریخ، می‌توان رویارویی کرد.

ولی گرایش در راستای، حرکت علمی و عقلی، با دو مانع روبرو می‌گردد، یکی وضع عقب‌مانده‌ای که در جهان اسلام با آن روبرو هستیم که می‌توان آنرا با حکمت و اندرز نیکو و پرورش نسل‌های بعدی بر اساس پذیرش توأم با اصالت‌خواهی و پای‌بندی به هویت و ...، از میان برداشت. کاری که ما اینک در ایران در حال انجام آن هستیم، ولی مانع دوم، بسی دشوارتر از این یکی است و عبارت از آمادگی طرف دیگر برای ایجاد درگیری تمدنی با جهان اسلام برای از میان بردن و ضربه کاری زدن به آنست.

کشتن و ترور صدها دانشمندان عراقی پس از اشغال عراق [از سوی آمریکا]، پدیده‌ای است که توجه و عنایت جدی را می‌طلبد؛ خالی کردن عراق از محتوای تمدن آن با ویران ساختن کتابخانه‌ها و موزه‌ها

نیز کاری است که نیازمند تحلیل و بررسی از سوی تمامی کسانی است که به آینده امت ما چشم دوخته‌اند.

سمت‌گیری برخی تلویزیونهای ماهواره‌ای که مخاطبین را مایوس می‌سازند و توانایی مسلمانان را دست کم می‌گیرند و روح غرب‌زدگی و شکست‌روانی در برابر غرب را اشاعه می‌دهند و غریزه‌های پست را بر می‌انگیزند، خطر بزرگی در برابر حرکت علمی تمدنی امت ما بشمار می‌رود.

برخورد با پرونده هسته‌ای صلح‌آمیز ایران نیز در همین راستا می‌گنجد بویژه آنکه ایران آمادگی خود را برای تقدیم ضمانت‌های لازم در عدم تخطی از بکارگیری صلح‌آمیز آن نیز ارایه داده است.

آنچه جنبش صهیونیسم جهانی در خصوص رصد دقیق هرگونه پیشرفت علمی در جهان اسلام بعمل می‌آورد و کوشش‌هایی که برای ریشه‌کنی آن و آشنایی با نواغ و مغزهای خلاق جهان اسلام و فراهم آوردن راه مهاجرت آنان از کشورهای اسلامی انجام می‌دهد، مسئله بسیار مهمی است.

ورود صهیونیست به اقتصاد بازارهای اسلامی و کوشش آنان در متزلزل ساختن آن بهنگام رشد و شکوفایی- آنچنانکه در کشورهای شرق آسیا اتفاق افتاد- نیز در شمار تلاش‌های پیشگیرانه خارجی در جهت هرگونه حرکت رشد یا بنده در جهان اسلامی ماست.

اینجانب و به دلیل ارتباطی که با طلاب ایرانی خارج از کشور دارم، بر بسیاری از برنامه‌ها و نقشه‌هایی که قطب‌های برخورد تمدنها در عرصه فرار مغزها و بهره‌گیری از نواغ و جوانان با

استعداد در جهان اسلام براي اجراي اهداف خود و تهيه ساختن کشورهاي ما از عناصر کارآمد و خلاق و مبتکر در نظر گرفته‌اند، آگاهي دارم.

اين خطر هرگز نبايد دست کم گرفته شود و به سادگي از برابر آن عبور شود.

ما در برابر تمامي اين چالش‌ها، راهي نداريم جز اينکه بر خدای يگانه و يکتايي که به هر که مي‌خواهد عزت و به هر که مي‌خواهد ذلت مي‌بخشايد و بر هر کاري تواناست، تکیه کنیم و در کنار يکديگر و همگام و همدل با يکديگر برابر مقابله با شبيخون فرهنگي از يك سو و وحدت‌بخشيدن به صفوف داخلي خود از اقيانوس تا اقيانوس [سرتاسر جهان گسترده اسلام] از سوي ديگر، بکوشيم و همگام با همدیگر، ما علما و دانشگاهيان و هنرمندان و ادبا و اصحاب قلم و اندیشه در راستاي سوق حرکت امت به سوي آینده درخشان و تمدني که در آن حرکت علمي به دوران شکوفايي خود در اوج تمدن اسلامي و جهان اسلامي ما به دهکده‌اي اسلامي و با روابط و پيوندهاي فشرده با اجزاي مختلف آن باز گردد، بکوشيم تا "چو عضوي بدرد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار".

از خداوند متعال مسئلت داريم شرکت‌کنندگان در اين کنفرانس را براي مطالعه و تحليل علمي چالش‌هايي که با آن روبرويم و آنچه که براي رويارويي با آن بايد انجام دهيم، موفق و مؤيد بدارد.

والله ولي التوفيق، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.